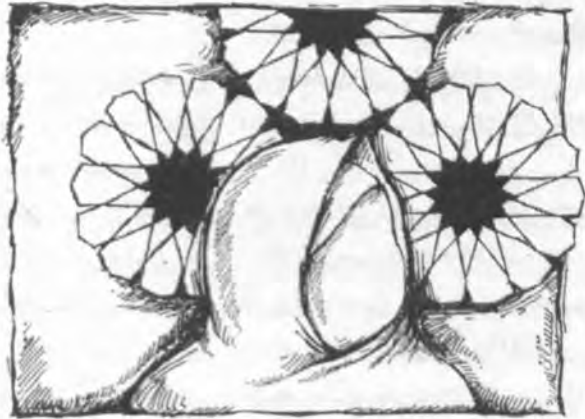


تذکرة الاولياء عطار و

نفحات الانس جامی



- در یک کتاب - در تذکرة‌های پیش از او که اکنون در دست ماست - بی سابقه است، یعنی درطبقات الصوفیه ابو عبدالرحمان سلمی و طبقات الصوفیه خواجه انصاری و تذکرة الاولياء عطار. بدین ترتیب چنین روشی، تغییر نگاه جامی - پرورده‌ی زمانه و جامعه خود - را به نظاره می‌گذارد.

هر چند ابو عبدالرحمان سلمی، چنانچه جامی خود می‌آورد (در ذکر احوال نسوه عبادات و نساء عارفات علی حده کتابی جمع کرده است و شرح احوال بسیاری از ایشان در بیان آورده) «ر.ک نفحات صفحه ۶۱۳ ط اطلاعات» اما این کتاب نه تنها اکنون در دست مانیت، بلکه به نظر می‌رسد در دست جامی نیز نبوده است چرا که اگر در دست او می‌بود، همه آنها را ذکر می‌کرد و علاوه، بر آنها نیز می‌افزود، چنانچه در ذکر مردان نیز چنین کرده است «ر.ک نفحات صفحه ۲ ط اطلاعات»؛ در حالیکه اگر چنین کرده بود، به نظر می‌رسد تعداد زنان از ۳۴ تن می‌گذشت.

چگونه می‌توان کتابی در ذکر احوال زنان جمع کرد و شرح احوال بسیاری از ایشان در بیان آورد و تعدادی نیز بر آن افزود و آنگاه تعدادشان از ۳۴ تن درنگذرد؟ اگر چنین فرضی درست باشد

احوال و سخنان یکی از مشایخ طریقت و عارفان می‌پردازد. او کتابش را با شرح احوال ششمین امام شیعیان جعفر بن محمد الصادق (ع) آغاز می‌کند.

پس از عطار، عبدالرحمان جامی در سال ۸۸۱ با الهام گرفتن از خواجه انصاری «نفحات الانس من حضرات القدس» را نگاشت. سهم زنان در نفحات الانس به مراتب بیشتر از تذکرة الاولياء است. نیز به نظر می‌رسد نوع نگاه به «زن» در نفحات الانس تلطیف شده هر چند خمیرمایه فکری در هر دو اثر یکیان به نظر می‌رسد.

عطار از میان ۷۲ عارفی که به ذکر آنان می‌پردازد، تنها از یک زن عارفه یاد می‌کند و آن «رابعه‌ی عَدویه» است.

پس از گذشت حدود سه قرن، جامی در «نفحات» بابتی مستقل در ذکر زنان می‌گشاید و از میان ۶۱۸ عارفی که به احوالشان پرداخته‌است، ۳۴ تن را، از زنان قرار داده است، یعنی در حدود $\frac{1}{18}$ ، ایمن درحالی است که عطار به $\frac{1}{72}$ بسنده کرده است. کار جامی، در اختصاص دادن بابتی ویژه به ذکر زنان و در کنار ذکر مردان

سید علی طالقانی

تذکرة الاولياء و نفحات الانس هر دو جزو سرگذشت نامه‌های عارفانند که به احوال مشایخ طریقت و حکایات آنان می‌پردازند. حکایاتی که به گفته جنید «جند من جنود الله عزوجل یعنی للقلوب» (۱) که «دل ترا بدان ثبات باشد و قوت افزاید» (۲)

اولین تذکرة مشایخ را شیخ ابو عبدالرحمان سلمی «م: ۴۱۲» نوشت، با نام طبقات الصوفیه، کتابی که دستمایه خواجه انصاری «م: ۴۸۱» شد برای نگاشتن اولین تذکرة مشایخ به فارسی.

پس از پیر هرات «خواجه انصاری» فرید الدین عطار نیشابوری «م: ۶۲۷» کتابی در احوال و حکایات مشایخ طریقت ساخت که با نام تذکرة الاولياء آن را می‌شناسیم.

عطار که در اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم می‌زیست، تذکرة الاولياء را در ۷۲ بخش قرار داد که در هر بخش به

نفحات الانس

من حضرات الهدى

تأليف

نورالدين عبدالرحمن جامي

مقدمه تصحيح و تعليقات

دکتر محمود مایه‌دی

کرد که عطار و جامی، هر یک فرزند زمانه و جامعه خویش نیز بوده اند.

اما با این حال، عنوان این باب در نفحات، خمیر مایه اصلی اندیشه جامی نسبت به زنان را به نمایش می‌گذارد، هر چند نگاه او تلطیف شده باشد. عنوان این است: «فی ذکر النساء العارفات الواصلات الی مراتب الرجال»

بی‌نوشت‌ها:

۱. «حکایات المشایخ چند من جنود الله عزوجل یعنی للقلوب «نفحات ص ۱»
۲. از جنید پرسیدند این حکایات چه منفعت کند مردان را؟ جواب داد که: «الله می‌گوید عز ذکره: و کلاً نقص علیک من انباء الرسل ما نثبت به فؤادک هود ۱۲/» می‌گوید عز ذکره- که قصه‌های پیغامبران و اخبار ایشان بر تو می‌خوانیم و از احوال ایشان تو را آگاه می‌کنیم تا دل تو را بدان ثبات باشد و قوت افزاید... «نفحات الانس ص ۱»

آنان در کتابهای پیش از نفحات ذکر کرده است «بنا بر تحقیقات مصحح کتاب - دکتر محمود عابدی - رک: نفحات صفحه ۹۲۶ - ۹۳۱ ط اطلاعات» از دیگر سو عطار هر چند تنها به ذکر یک زن بسنده می‌کند اما از آنجا که گویی از واکنش‌هایی در امان نیست در آغاز یاد کرد «رابعه‌ی عذویه» به تفصیل به توجیه کرده خویش می‌پردازد و از آن جمله می‌گوید: «... اگر کسی گوید که ذکر او در صف رجال چرا کردی؟» گوئیم: «خواجه انبیاء علیه الصلاة والسلام - می‌فرماید: ان الله لا یظنر الی صورکم، کار به صورت نیست به نیت نیکوست چون زن در راه خدای تعالی مرد باشد، او را زن نتوان گفت... کسی که اگر در مجلس حسن بصری نبودی، مجلس ننگفتی لاجرم ذکر او در صف مردان توان کرد بل که از روی حقیقت آنجا که این قومند، همه نیست توحیدند، در توحید، وجود من و تو کسی ماند؟ تا به مرد و زن چه رسید...» گزیده تذکرة الاولیاء

این در حالی است که جامی در نفحات چنین عذرهایی نمی‌آورد بلکه علاوه، این دو بیت را نیز آغاز شرح احوال قرار می‌دهد که:

ولو كان النساء کمن ذکرنا
لفضلت النساء علی الرجال
فلاتأثیت لاسم الشمس عیب
ولا التذکیر فخر للهِلال

نفحات صفحه ۶۱۳

به وضوح، تلطیف نگاه جامی بالنسبه به عطار روشن است و فراموش نمی‌توان

- که این کتاب در دست جامی نبوده است - نشان از بی‌توجهی جامعه فکری - فرهنگی آن زمان نسبت به چنین موضوعی دارد، و این در حالی است که طبقات الصوفیه همو را - که ویژه مردان است - حتی به دست روزگار ما سپرده است.

گذشته از آن که این، کتابی علی‌حده است و ابو عبدالرحمان نه در کتابی واحد ذکر زنان و مردان کرده است، یعنی در کنار هم. گذشته از این، جامی حتی به ذکر زنانی می‌پردازد که هویتشان نامعلوم است و از آنان با عناوینی چون: امرأة مجهولة، جاریة مجهولة، امرأة مصریة، امرأة



مصریة اخرى و هكذا یاد می‌کند، در حالیکه در میان مردان، حتی یک نمونه مشابه نیز دیده نمی‌شود. این رویکرد می‌تواند نشان دهنده تعمد جامی در ذکر زنان باشد هر چند زنانی مجهول‌الهویه.

از میان ۳۴ زنی که جامی به ذکر احوال آنان پرداخته، تنها از ۱۲ تن از